

نقش فین تک و شمول مالی در محرومیت زدایی: شواهدی از بازارهای نوظهور

این پژوهش به بررسی رابطه در حال توسعه بین فناوری مالی (فین تک) و شمول مالی (Financial Inclusion) در اقتصادهای نوظهور می‌پردازد. بخش مالی به دلیل ظهور فین تک، دچار تحول سریعی شده است که راه‌حل‌های دیجیتال پیشرفته‌ای ارائه می‌دهد و دسترسی به خدمات مالی را به جوامع محروم از بانک یا کمتر برخوردار گسترش می‌دهد. با مرور نظام‌مند ادبیات موضوع، این مطالعه تأثیر مثبت فین تک را در کاهش موانع دسترسی به خدمات مالی، پایین آوردن هزینه‌های تراکنش و بهبود دسترسی به ابزارهای اعتباری، پرداخت و پس‌انداز در اقتصادهای نوظهور برجسته می‌سازد. فین تک همچنین نقش مهمی در توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای، حمایت از کارآفرینان خرد و تقویت زیست‌بوم‌های مالی دیجیتال ایفا می‌کند. اگرچه پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما رشد فراگیر هنوز با موانعی از جمله چارچوب‌های نظارتی پراکنده، زیرساخت دیجیتال محدود، تهدیدات امنیت سایبری و کمبود عمومی سواد مالی بازدارنده مواجه است. یافته‌های این پژوهش بینش‌های مهمی برای سیاست‌گذاران، نهادهای مالی و توسعه‌دهندگان فناوری فراهم می‌کند که قصد دارند از فین تک برای ارتقای شمول مالی پایدار استفاده کنند. این تحقیق با قرار دادن نقش فین تک در مالی فراگیر در چارچوب‌های اقتصادی و نهادی متمایز بازارهای نوظهور، به ادبیات رو به گسترش این حوزه می‌افزاید و همچنین زمینه‌های کلیدی برای مطالعه بیشتر و اقدام سیاستی را مشخص می‌کند.

مقدمه

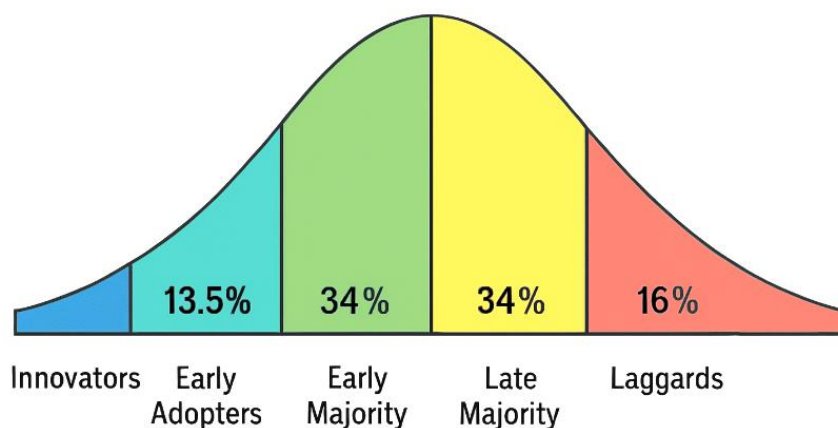
در بسیاری از اقتصادهای نوظهور، شمول مالی به یک هدف توسعه‌ای محوری تبدیل شده است. در واقع دسترسی به خدمات مالی رسمی، رشد اقتصادی را تقویت کرده، فقر را کاهش می‌دهد و نابرابری اجتماعی را کم می‌کند. خدمات مالی فراگیر به معنای اطمینان از در دسترس بودن و امکان دسترسی به خدمات بانکی، پرداخت، اعتبار و بیمه برای تمامی گروه‌های جامعه، به ویژه جمعیت‌های کم‌درآمد و مناطق روستایی کمتر برخوردار است. با این حال، یک شکاف دسترسی قابل توجه در سطح جهانی باقی مانده است، مناطقی مانند جنوب آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا و آفریقای جنوب صحرا همچنان با محرومیت مالی گسترده و چشمگیر در مالکیت حساب مواجه هستند.

در این بستر، فناوری مالی به طور گسترده به عنوان یک نیروی تحول‌آفرین شناخته می‌شود که قادر است خدمات مالی را با هزینه کمتر و کارایی بالاتر ارائه کند. بانکداری دیجیتال، کیف پول الکترونیکی، پول همراه، وام‌دهی همتا به همتا (Peer-to-Peer Lending)، برنامه‌های مبتنی بر بلاکچین و راه‌حل‌های هوش مصنوعی تنها معدودی از پیشرفت‌های متعددی هستند که زیر چتر فناوری مالی قرار می‌گیرند.

در کشورهای در حال توسعه، پذیرش فناوری مالی به سرعت رشد کرده است که عامل محرک آن افزایش استفاده از تلفن همراه و نفوذ اینترنت است. نوآوری‌هایی مانند بانکداری همراه و پول الکترونیکی با موفقیت به جمعیت‌هایی که پیش از این از دسترسی به مؤسسات مالی سنتی محروم بودند، راه یافته‌اند. مطالعات تجربی به طور پیوسته نشان می‌دهند که فناوری مالی از طریق گسترش مالکیت حساب، تسهیل تراکنش‌های بدون وجه نقد و بهبود دسترسی به اعتبار رسمی، به صورت مثبت به شمول مالی کمک می‌کند. با این وجود، موانع مهمی پابرجاست: سواد دیجیتال محدود، آسیب‌پذیری‌های امنیت سایبری و چارچوب‌های نظارتی که اغلب برای حمایت از زیست‌بوم فناوری مالی ناکافی هستند. بنابراین، یک درک عمیق برای بررسی چگونگی پیشبرد شمول مالی توسط فناوری مالی، شناسایی چالش‌های اصلی پیش روی آن و ارزیابی تأثیر سیاستی آن در بازارهای نوظهور ضروری است.

مرور ادبیات

نظریه انتشار نوآوری (Diffusion of Innovation (DOI) Theory)، چگونگی پذیرش و گسترش فناوری‌های جدید در بخش‌های مختلف جامعه را توضیح می‌دهد. این نظریه به ویژه برای درک پذیرش سریع خدمات فناوری مالی در بازارهای نوظهور مرتبط است، جایی که عواملی مانند مزیت نسبی، سازگاری و مشاهده‌پذیری به طور قابل توجهی بر پذیرش کاربر تأثیر می‌گذارند. مطالعات نشان می‌دهند که سودمندی و اعتماد درک شده، انگیزه‌های کلیدی برای پذیرش فناوری مالی هستند. به طور مشابه، برای مثال در مناطق روستایی اوگاندا مشخص شده که سواد دیجیتال به عنوان یک عامل تقویت‌کننده، پذیرش و انتشار فناوری مالی مبتنی بر تلفن همراه را افزایش می‌دهد و نقش دانش و ارتباطات در این فرآیند را برجسته می‌سازد.



پیشرفت‌های فناوریانه مانند بانکداری همراه، کیف پول دیجیتال، وام‌دهی همتا به همتا و بلاکچین، دسترسی مالی را برای جمعیت‌های فاقد حساب بانکی به طور قابل توجهی گسترش داده‌اند. برای مثال، راه‌حل‌های فناوری مالی در غلبه بر موانع مربوط به جغرافیا و زیرساخت بانکی محدود، به ویژه از طریق پلتفرم‌های مبتنی بر تلفن همراه،

مؤثر بوده‌اند. یک تحلیل جامع از مطالعات دانشگاهی، ارتباطی پایدار بین خدمات فناوری مالی و بهبود در مالکیت حساب، دسترسی به اعتبار و مشارکت با سیستم‌های مالی رسمی را برجسته می‌کند.

فناوری مالی به یک ابزار محوری برای کاهش محرومیت مالی، به ویژه در میان گروه‌های محروم اجتماعی-اقتصادی مانند زنان، جوانان و جمعیت روستایی تبدیل شده است. عواملی مانند سودمندی درک شده، اعتماد و تصویر برند بر تمایل به پذیرش خدمات مالی دیجیتال تأثیرگذار بوده است. در مناطق محروم، پذیرش فناوری مالی در میان جوامع کمتر برخوردار، زمانی به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد که کاربران دارای سواد دیجیتال باشند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، محرومیت مالی قابل توجهی وجود دارد که اهمیت توسعه محصولات فراگیر و ابتکارات هدفمند آموزش مالی را تأکید می‌کند.

علیرغم پتانسیل تحول‌آفرین، پذیرش فناوری مالی در اقتصادهای نوظهور با موانع عمده‌ای روبروست. چالش‌های اصلی شامل زیرساخت دیجیتال ناکافی، سواد مالی و دیجیتال محدود و چارچوب‌های نظارتی بازدارنده است. یک مطالعه موردی نشان می‌دهد که کمبود بودجه، زیرساخت دیجیتال ضعیف و اعتماد عمومی پایین می‌تواند اجرای فناوری مالی را حتی زمانی که فناوری پایه امیدوارکننده است، مختل کند.

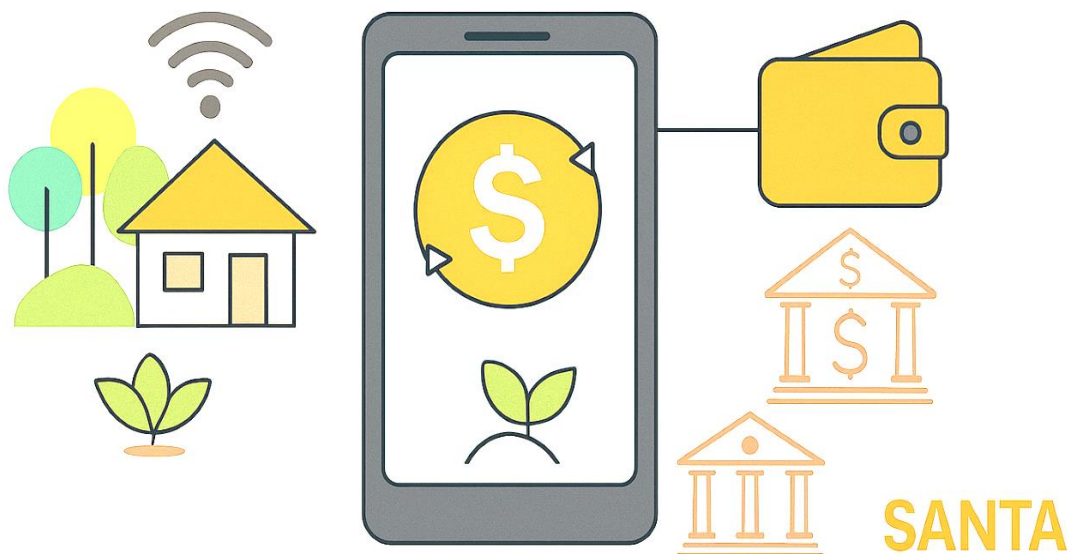
شمول مالی مبتنی بر فناوری مالی با نتایج اقتصادی و اجتماعی مثبت در هر دو سطح کلان و خرد مرتبط شده است. مطالعات متعدد نقش آن را در افزایش تاب‌آوری خانوار، حمایت از کارآفرینی و کمک به کاهش فقر برجسته می‌کنند. گسترش خدمات فناوری مالی منجر به بهبود شمول مالی در جنوب آسیا شده است که به نوبه خود ریسک اعتباری در مؤسسات مالی خرد را کاهش داده و ثبات نهادی آنها را افزایش می‌دهد. تحقیقات دیگر، نقش شمول مالی دیجیتال را در کاهش نابرابری درآمد و پیشبرد اهداف توسعه پایدار نشان می‌دهند.

تأثیر فناوری مالی بر شمول مالی به طور قابل توجهی در مناطق مختلف متفاوت است که توسط عوامل نهادی، فرهنگی و زیرساختی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، در آفریقای جنوب صحرا، کنیا از طریق پلتفرم‌های پول همراه پیشرفت قابل توجهی داشته، در حالی که اتیوپی به دلیل زیرساخت ناکافی و مسائل اعتماد، عقب افتاده است. برنامه‌های بزرگ دولتی در آسیا گام‌های مهمی در پرورش زیست‌بوم‌های مالی فراگیر برداشته‌اند. در مقابل، منطقه آمریکای لاتین از سطوح نسبتاً بالاتری از سواد دیجیتال بهره می‌برد که پذیرش گسترده‌تر فناوری مالی را پشتیبانی می‌کند. این در حالی است که منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان با شکاف‌های پایدار ناشی از محدودیت‌های فرهنگی و نابرابری دیجیتال مواجه است.

مشارکت فناوری مالی در بهبود شمول مالی

مرور ادبیات به طور پیوسته، نوآوری‌های فین‌تک را به عنوان محرک‌های محوری برای پیشبرد شمول مالی در کشورهای در حال توسعه شناسایی می‌کند. طیفی از ابزارهای مالی دیجیتال-پایه تا فناوری‌های پیچیده، دسترسی به خدمات مالی را برای جمعیت‌هایی که زمانی از بخش مالی رسمی محروم بودند، گسترش داده‌اند.

بانکداری همراه و پول الکترونیکی به عنوان تأثیرگذارترین فناوری‌ها، به ویژه در مناطقی با زیرساخت بانکی محدود، برجسته هستند. شاخص‌های دیجیتال‌سازی مانند استفاده از اینترنت، نفوذ تلفن همراه، دسترسی به پهنای باند و اشتراک‌های خط ثابت، تأثیر آماری مثبت و معناداری بر شمول مالی داشته‌اند. برای مثال موفقیت ام-پسا در کنیا نشان می‌دهد که استفاده گسترده از پول همراه و نمایندگان دیجیتال، به طور نزدیکی با افزایش مالکیت حساب و افزایش فراوانی تراکنش‌های غیرنقدی مرتبط است. یا در یک تحلیل جداگانه مقایسه‌ی اتیوپی و کنیا نشان می‌دهد که نفوذ بالای پول همراه در کنیا، یک عامل تمایز مهم در نرخ برتر شمول مالی کشور است. فین‌تک در این شکل، به طور مؤثری موانع جغرافیایی را با استفاده از دستگاه‌های تلفن همراه به عنوان کانال‌هایی برای دسترسی مالی برطرف می‌کند. مطالعات تأیید می‌کنند که فین‌تک پتانسیل غلبه بر موانعی مانند فاصله و زیرساخت محدود را از طریق راه‌حل‌های دیجیتال انعطاف‌پذیر دارد.



فناوری‌های بلاکچین و ارز دیجیتال نیز برای پتانسیل آن‌ها در ترویج شمول بررسی شده‌اند، اگرچه با نتایج متفاوت. از یک سو، بلاکچین شفافیت و کارایی هزینه را ارائه می‌دهد که می‌تواند هزینه خدمات را برای جمعیت‌های فاقد حساب بانکی کاهش دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که پذیرش بلاکچین در کشورهای آسیایی با شمول مالی ارتباط مثبت دارد. با این حال، اجرای آن در جهان واقعی، موانعی از جمله شکاف دیجیتال، بی‌اعتمادی کاربران به فناوری‌های نوظهور و زیرساخت توسعه‌نیافته را آشکار می‌کند. این چالش‌ها در نهایت منجر به شکست یک استارت‌آپ فین‌تک مبتنی بر بلاکچین در آفریقا شد و نشان داد که حتی فناوری‌های امیدوارکننده نیز برای

موفقیت نیاز به یک زیست‌بوم به‌خوبی توسعه‌یافته دارند. در همین حال، ارز دیجیتال یک ابزار دوپهلوی باقی می‌ماند؛ در حالی که دسترسی مالی جایگزین ارائه می‌دهد، نوسان بالای آن پتانسیل فراگیر آن را محدود می‌کند.

هوش مصنوعی اکنون به عنوان مرز بعدی برای شمول مالی دیجیتال شناسایی شده است. هوش مصنوعی می‌تواند به ارائه‌دهندگان خدمات مالی امکان طراحی محصولات شخصی‌شده برای مشتریان کمتر برخوردار را بدهد. فناوری‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشین می‌توانند امنیت تراکنش را افزایش داده و آموزش مالی را از طریق ابزارهای هوش مصنوعی تولیدی مانند چت‌بات‌ها و سیستم‌های امتیازدهی اعتباری خودکار ارائه دهند. با این وجود، پژوهشگران هشدار می‌دهند که توسعه اخلاقی و فراگیر هوش مصنوعی برای جلوگیری از تقویت سوگیری‌ها یا طرد شدن گروه‌هایی ضروری است.

بر اساس تحقیقات مختلف، پذیرش فین‌تک و بهبود شمول مالی همبستگی مثبتی با هم دارند. فناوری مالی نقش کلیدی در افزایش دسترسی مالی و ترویج توسعه اقتصادی فراگیر از طریق خدمات مالی دیجیتال دارد. به ویژه در مناطق کمتر برخوردار، خدمات فین‌تک به بهبود شاخص‌های مهمی از جمله مالکیت حساب، استفاده از پرداخت‌های دیجیتال و در دسترس بودن اعتبار کمک کرده‌اند. یک مرور نظام‌مند تأیید می‌کند که فین‌تک به طور معناداری به پیشبرد شمول مالی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. با این حال، ادبیات موضوع تأکید می‌کند که فناوری به تنهایی کافی نیست؛ تأثیر آن به میزان زیادی به عوامل سیستمیک گسترده‌تر مانند زیرساخت دیجیتال، آمادگی کاربر و حمایت نظارتی بستگی دارد.

شمول مالی برای گروه‌های آسیب‌پذیر

بخش عمده‌ای از تحقیقات موجود، مشارکت فین‌تک را در بهبود شمول مالی برای گروه‌های محروم مانند زنان، جوانان، خانوارهای کم‌درآمد و افراد دارای معلولیت برجسته می‌کند. این گروه‌ها که به دلیل موانع اجتماعی-اقتصادی طرد شده‌اند، سطوح فزاینده‌ای از تعامل با فین‌تک را نشان داده‌اند، اگرچه شکاف‌های پایداری باقی مانده است.

رشد خدمات مالی دیجیتال، شمول مالی زنان را با فراهم آوردن راحتی و انعطاف‌پذیری بیشتر افزایش داده است. بر اساس یک مطالعه موردی در اندونزی، زنان به محض آشکار شدن مزایای فین‌تک، به سرعت آن را پذیرفتند. تمایل زنان برای پذیرش فین‌تک عمدتاً توسط سودمندی درک شده، اعتماد و تصویر برند شکل می‌گیرد، در حالی که سواد مالی تأثیر مستقیمی بر انتخاب‌های پذیرش آن‌ها ندارد. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، زنان و سالمندان به دلیل سواد دیجیتال پایین و هنجارهای اجتماعی محدودکننده، همچنان با طرد دیجیتال قابل توجهی مواجه هستند. در نتیجه، تحقیقات پیشنهاد می‌کنند که طراحی‌های فین‌تک حساس به جنسیت و ابتکارات سواد

دیجیتال سفارشی شده برای افزایش توانمندسازی مالی زنان و کمک به پر کردن شکاف جنسیتی پایدار در دسترسی مالی اجرا شوند.

جمعیت جوان، اگرچه با فناوری آشنا تر هستند، به طور خودکار در سیستم مالی رسمی گنجانده نمی شوند. در خاورمیانه گزارش شده است که جوانان نرخ مالکیت حساب رسمی کمتری پیش از همه گیری داشتند، اگرچه این شکاف به طور معناداری پس از آن، به ویژه در میان زنان جوان کاهش یافت. آموزش و وضعیت اشتغال، تعیین کننده های کلیدی شمول مالی دیجیتال در میان جوانان هستند و آن ها که در مناطق روستایی و با سطح آموزش پایین قرار دارند، در وضعیت نامساعدی باقی می ماندند.

برای جوامع کم درآمد و دور افتاده، مدل های فین تک مبتنی بر نمایندگان سیار ثابت شده اند. موفقیت سیستم های شناسایی بیومتریک ترکیب شده با پول همراه در امکان پذیر کردن دسترسی برای جمعیت های روستایی فاقد حساب بانکی شامل افراد فقیر و بدون مدارک شناسایی رسمی برجسته شده است. سواد دیجیتال به عنوان یک عامل تعدیل کننده بحرانی عمل می کند: وقتی وجود دارد، اثر مثبت فین تک بر شمول به طور معناداری تقویت می شود. یافته های مشابه در سایر زمینه های منطقه ای ظاهر می شود و اهمیت توانمندسازی کاربران حاشیه نشین از طریق آموزش و ظرفیت سازی را تقویت می کند.

در حالی که فین تک به طور ملموسی دسترسی را برای گروه های طرد شده گسترش داده است، مزایای آن به طور یکسان توزیع نشده است. عواملی مانند آموزش، درآمد و شغل همچنان بر شکل و میزان دسترسی مالی تأثیر می گذارند. یک مطالعه در سطح خرد در مراکش دریافت که بانکداری همراه در میان جوانان روستایی شایع تر بود، در حالی که جمعیت های بدون تحصیلات یا کم درآمد اغلب بر کانال های غیر رسمی تکیه داشتند. این موضوع نشان می دهد که پذیرش فین تک باید با مداخلات اجتماعی و اقتصادی تکمیل شود تا نتایج فراگیر بلندمدت تضمین شود.

موانع و چالش های اجرای فین تک

علیرغم پتانسیل قابل توجه آن، اجرای فین تک برای اعمال مالی فراگیر در کشورهای در حال توسعه با یک سری چالش های ساختاری و اجتماعی-سیاسی مواجه است. ادبیات موضوع به طور پیوسته موانع عمده ای مانند سواد دیجیتال و مالی محدود، زیرساخت ناکافی و چارچوب های نظارتی پراکنده را شناسایی می کند.

کمبود سواد دیجیتال و اعتماد همچنان مانع عمده ای برای پذیرش فین تک است. بسیاری از افراد فاقد حساب بانکی حتی با خدمات بانکی پایه نیز آشنایی ندارند، چه رسد به ابزارهای مالی دیجیتال. در نتیجه، درک محدود آن ها، اعتماد پایینی به پلتفرم های فین تک ایجاد می کند. برای مثال، در یک مورد مطالعه شده، بی اعتمادی به

فناوری جدید و زیرساخت ناکافی به طور معناداری مانع پذیرش کاربر شد. در اتیوپی، آگاهی محدود و بی‌اعتمادی عمومی به مؤسسات رسمی، شمول مالی را مختل می‌کند و منجر به ترجیح بسیاری از افراد برای نگهداری پول خود خارج از سیستم مالی رسمی می‌شود.

محدودیت‌های زیرساختی، چالش بحرانی دیگری را ارائه می‌دهند. در بسیاری از مناطق روستایی، اتصال اینترنت، پوشش شبکه تلفن همراه و تأمین برق همچنان غیر پایدار است. مطالعات از غرب آفریقا نشان می‌دهند که تأثیر پول دیجیتال در جایی بیشترین اثر را داشته که آن منطقه دارای زیرساخت حمایتی بوده است؛ مناطق فاقد چنین زیرساختی از نظر مالی طرد شده باقی می‌مانند. مالکیت دستگاه نیز یک نگرانی است: حتی با نفوذ فزاینده تلفن همراه، فقیرترین اقشار ممکن است گوشی‌های هوشمند قادر به اجرای برنامه‌های فین‌تک را در اختیار نداشته باشند. علاوه بر این، عدم وجود شناسایی قابل تأیید و یا احراز هویت که در محیط‌های کم‌درآمد شایع است، فرآیندهای onboarding را مختل کرده و دسترسی به خدمات مالی دیجیتال را محدود می‌کند.

علاوه بر این، تنظیمات نظارتی دو عملکرد دارند. وقتی بد طراحی شوند، می‌توانند نوآوری را مختل کرده و شمول را محدود کنند. در مقابل، مقررات بیش از حد آسان ممکن است کاربران را در معرض کلاهبرداری یا سوءاستفاده از داده قرار دهد. اشاره شده است که چارچوب‌های نظارتی ضعیف و پراکنده، مانع عمده‌ای برای شمول مبتنی بر فین‌تک هستند. برخی کشورها مالیات بر تراکنش‌های پول همراه اعمال کرده‌اند که مطالعات نشان می‌دهد می‌تواند کاربران کم‌درآمد را دلسرد کرده و پیشرفت به‌دست آمده به سمت شمول دیجیتال را معکوس کند.

پذیرش فین‌تک توسط یک زیست‌بوم چندبعدی شکل می‌گیرد. سواد بر تقاضا تأثیر می‌گذارد، زیرساخت دسترسی‌پذیری را تعیین می‌کند و مقررات بر عملیات حکم‌فرمایی می‌کند. این عوامل به هم وابسته هستند و پرداختن به آن‌ها به صورت کلی برای دستیابی به شمول مالی معنادار ضروری است.

تأثیر بر توسعه اقتصادی، نابرابری و کاهش فقر

ادبیات موضوع به طور گسترده موافق است که شمول مالی ایجاد شده توسط فین‌تک به طور مثبت و معناداری به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. با این حال، مقیاس و ثبات این تأثیرات بستگی به شرایط توانمندسازی، از جمله ایجاد زیرساخت، سیاست‌های اتخاذ شده و قابلیت کاربر دارد. بدون زیرساخت دیجیتال یا چارچوب‌های نظارتی کافی، راه‌حل‌های فین‌تک ممکن است در رسیدن به جمعیت‌های کمتر برخوردار شکست بخورند یا حتی می‌توانند نابرابری‌های موجود را تشدید کنند. علاوه بر این، عواملی مانند سواد دیجیتال و اعتماد به فناوری به طور قابل توجهی بر آمادگی کاربر تأثیر می‌گذارد که به نوبه خود بر موفقیت و فراگیری نوآوری‌های مالی تأثیر می‌گذارد.

از منظر اقتصاد کلان، یک فناوری مالی فراگیر می‌تواند به هدایت پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌ها به بخش‌های مولد کمک می‌کند و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. گزارش شده است که شمول مالی بر درآمد سرانه تأثیر مثبت می‌گذارد، به ویژه زمانی که با پذیرش فناوری‌های دیجیتال همراه شود. علاوه بر این، ابزارهای دیجیتال به کاهش شکاف‌های جنسیتی در دسترسی مالی کمک کرده‌اند و مشارکت اقتصادی گسترده‌تر را افزایش داده‌اند.

نشان داده شده است که شمول مالی دیجیتال به کاهش ضریب جینی در کشورهای بریکس کمک می‌کند، با تأثیرات قوی‌تری که زمانی مشاهده می‌شود که توسط پیشرفت‌های فناورانه و زیرساخت بهبودیافته حمایت شود. فین‌تک به گروه‌های کم‌درآمد امکان دسترسی به خدمات اعتباری و پرداختی مقرون‌به‌صرفه را می‌دهد و به صورت بالقوه تاب‌آوری اقتصادی آن‌ها را افزایش می‌دهد. بدون دسترسی منصفانه و مهارت‌های دیجیتال، فین‌تک ممکن است شکاف دیجیتال را عمیق‌تر کند..

در مورد کاهش فقر، شمول مالی فرصت‌های اقتصادی مانند تأمین مالی بنگاه‌های خرد و دسترسی به پس‌انداز و بیمه ایجاد می‌کند که می‌تواند رفاه خانوار را بهبود بخشد. کانال‌های دیجیتال، توزیع کارآمدتر و شفاف‌تر کمک‌های اجتماعی دولت را، به ویژه در طول بحران‌ها، امکان‌پذیر می‌کنند. در سطح خرد، گزارش شده است که شمول مالی دیجیتال، عملیات تجاری را برای کارآفرینان خرد بهبود می‌بخشد و منجر به بهره‌وری بیشتر، درآمد بالاتر و تاب‌آوری مالی بهبودیافته در طی شوک‌های اقتصادی می‌شود.

فین‌تک همچنین نقش مهمی در تقویت ثبات نهادی ایفا می‌کند. گزارش شده است که شمول افزایش‌یافته توسط فین‌تک، ریسک نکول را برای مؤسسات مالی خرد، به ویژه کوچک‌ترها، با گسترش دسترسی آن‌ها و بهبود فرآیندهای اعتبار سنجی کاهش می‌دهد. فراتر از نتایج اقتصادی، مطالعات نوظهور به مزایای بالقوه محیط زیستی اشاره می‌کنند. استدلال شده است که بانکداری دیجیتال، انتشار کربن عملیاتی را با به حداقل رساندن استفاده از کاغذ و حمل‌ونقل فیزیکی کاهش می‌دهد. اگرچه هنوز کم‌تحقیق شده است، این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که فین‌تک می‌تواند از اهداف توسعه پایدار گسترده‌تر حمایت کند.

چشم‌اندازهای منطقه‌ای: آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین

تأثیر فین‌تک بر شمول مالی در مناطق مختلف به طور معناداری متفاوت است که توسط شرایط نهادی، فرهنگی و فناورانه محلی شکل گرفته است. این تغییرات منطقه‌ای اهمیت عوامل زمینه‌ای را در تعیین اثربخشی راه‌حل‌های فین‌تک برجسته می‌کنند. برای مثال، بازبودن نظارتی، سطوح اتصال تلفن همراه و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی

مانند آموزش و توزیع درآمد می‌توانند یا نتایج فراگیر را تسهیل کنند یا مانع آن گردد. درک این دینامیک‌ها برای طراحی مداخلاتی که نه تنها نوآورانه بلکه عادلانه و پایدار نیز هستند، ضروری است.

آفریقای (جنوب صحرا) اغلب به عنوان یک پیشرو جهانی در پذیرش فین‌تک دیده می‌شود، عمدتاً به دلیل موفقیت گسترده خدمات پول همراه مانند ام-پسای کنیا. همبستگی‌های مثبت قوی بین شاخص‌های دسترسی دیجیتال و شمول مالی در میان ۴۳ کشور آفریقایی یافت شده است. سیاست‌های مالی آزادانه‌تر کنیا، نفوذ بالاتر تلفن همراه و نرخ سواد بالاتر، عملکرد برتر آن را در مقایسه با کشورهایمانند اتیوپی توضیح می‌دهد.

آسیا الگوهای متنوعی نشان می‌دهد. در حالی که شرق آسیا سطوح بالایی از شمول مالی را نشان می‌دهد، جنوب و جنوب شرق آسیا گسترش سریع فین‌تک را در میان جمعیت‌های بزرگ فاقد حساب بانکی تجربه کرده‌اند. برای مثال برنامه کشور هند ترکیب‌شده با زیرساخت شناسه دیجیتال، اثربخشی شمول فین‌تک با محوریت دولت را نشان می‌دهد. با این حال، شهرنشینی و رشد درآمد نیز می‌تواند شمول سنتی را مهار کند و کشورها را وادار به تسریع مسیرهای دیجیتال کند. اثرات سرریز منطقه‌ای نیز مشهود است، با تأثیر نوآوری‌ها در یک کشور بر پذیرش در دیگران.

کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا عموماً در شمول مالی از معیارهای جهانی عقب‌تر هستند. این موضوع به زیرساخت محدود و انعطاف‌ناپذیری نظارتی نسبت داده شده است. با این وجود، برخی از کشورهای خلیج فارس در حال پیشرفت در زمینه شمول مالی منتج شده از فین‌تک هستند. نقش فین‌تک اسلامی در گسترش دسترسی برجسته شده است، به ویژه زمانی که با نفوذ قوی اینترنت و چارچوب‌های نظارتی فراگیر همراه شود.

آمریکای لاتین سطوح متوسطی از شمول را نشان می‌دهد اما از نابرابری بالا رنج می‌برد. سواد دیجیتال، پذیرش فین‌تک را در این منطقه تسهیل می‌کند و منجر به نوآوری‌هایی مانند بانکداری مکاتبه‌ای در برزیل و کیف پول دیجیتال در مکزیک می‌شود. با این حال، بی‌ثباتی کلان اقتصادی و عدم قطعیت نظارتی چالش‌های مداومی ایجاد می‌کنند.

به طور خلاصه، زمینه منطقه‌ای به طور معناداری بر چگونگی تأثیر فین‌تک بر شمول مالی تأثیر می‌گذارد. استراتژی‌هایی که در یک مکان موفق می‌شوند ممکن است در جای دیگر بدون زمینه‌سازی مناسب شکست بخورند.

بحث

مرور ادبیات اخیر، درکی پویا و چندوجهی از شمول مالی دیجیتال در مناطق و زمینه‌های مختلف را آشکار می‌کند. بسیاری از مطالعات نقش بحرانی سواد دیجیتال، زیرساخت و پذیرش فناوری مانند بانکداری همراه، بلاکچین و سیستم‌های بیومتریک را در گسترش دسترسی مالی برجسته می‌کنند.

با این حال، چندین چالش پابرجا باقی می‌ماند. موانع سواد، شکاف‌های نظارتی و مسائل اعتماد به طور مکرر به عنوان موانعی برای پذیرش مؤثر خدمات مالی دیجیتال ظهور می‌کنند. عوامل فرهنگی و شرایط اجتماعی-اقتصادی نیز نقش معناداری در تعیین سطح شمول مالی ایفا می‌کنند.

از نظر تأثیر، مالی دیجیتال نه تنها به افزایش دسترسی مالی، بلکه به بهبود کارایی کسب‌وکار، عملکرد SME و رفاه کشاورزان کمک می‌کند. با این وجود، پژوهشگران هشدار می‌دهند که این مزایا اغلب به سطوح استفاده بستگی دارد و ممکن است با عواقب ناخواسته مانند افزایش انتشار کربن همراه باشد، مگر اینکه توسط نوآوری سبز کاهش یابد.

جمع بندی

این مطالعه تأیید می‌کند که فناوری مالی نقشی محوری در پیشبرد شمول مالی در سراسر کشورهای در حال توسعه دارد. نوآوری‌هایی مانند بانکداری همراه، پول الکترونیکی و سایر نوآوری‌های دیجیتال به طور مؤثری خدمات مالی را به جوامع فاقد حساب بانکی گسترش داده‌اند، هزینه‌ها را کاهش داده و دسترسی پذیری را بهبود بخشیده‌اند. مالکیت حساب بالاتر و استفاده از خدمات مالی رسمی در میان افراد کم‌درآمد، زنان و سایر گروه‌های حاشیه‌نشین که به طور تاریخی توسط سیستم‌های بانکی سنتی طرد شده‌اند، شاخص‌های واضحی از اثرات مفید فین‌تک هستند. این دستاوردها در شمول مالی به رشد اقتصادی فراگیرتر و کاهش نابرابری درآمد کمک کرده‌اند، اگرچه با شدت متفاوت در مناطق مختلف.

با این حال، مطالعه تأکید می‌کند که توانایی فین‌تک برای پیشبرد شمول مالی تضمین‌شده نیست. چالش‌های ساختاری از جمله سواد دیجیتال ناکافی، زیرساخت ضعیف و سیستم‌های نظارتی ضعیف می‌توانند تحقق کامل مزایای آن را مسدود کنند. بنابراین، تلاش‌های جمعی از سوی دولت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها و ذینفعان صنعت برای غلبه بر این چالش‌ها مورد نیاز است. پیامدهای سیاستی طرح‌شده در این مقاله از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و کمپین‌های آموزشی توده‌ای گرفته تا مقررات حامی نوآوری و در عین حال حفاظت از مصرف‌کننده و همکاری چندذینفعی، همگی با هدف ساختن یک زیست‌بوم هستند که در آن فناوری مالی بتواند رشد کند و به طور عادلانه توسط تمام بخش‌های جامعه در دسترس باشد.

گروه هدف اصلی	اثر مورد انتظار	راهکارهای فین تک	دسته استراتژی
جوامع روستایی، مناطق محروم از شعب بانکی	حذف نیاز به شعبه فیزیکی بانک؛ خدمات رسانی به مناطق دورافتاده و روستایی	• بانکداری همراه (Mobile Money) و کیف پول دیجیتال (مثل امپسا) • شبکه نمایندگان/کارگزاران محلی برای (Agent Banking) خدمات حضوری • پلتفرم‌های وام دهی همتا به همتا (P2P Lending)	گسترش ۱۰ دسترسی فیزیکی و جغرافیایی
خانوارهای کم درآمد، کارگران روزمزد، خرده فروشان	قابل دسترسی شدن خدمات مالی برای خانوارهای کم درآمد؛ افزایش معاملات رسمی	• تراکنش‌های دیجیتال • کم هزینه نسبت به روش‌های سنتی • حذف واسطه‌ها در خدمات مالی (مثل وام مستقیم) • مدل‌های قیمت گذاری شفاف و رقابتی	کاهش هزینه‌های ۲۰ تراکنش و خدمات
جوانان، مهاجران، شاغلان بخش غیررسمی، زنان بدون مالکیت رسمی	امکان افتتاح حساب و دریافت اعتبار برای افراد فاقد مدرک شناسایی یا سابقه اعتباری رسمی	• (Digital ID) احراز هویت دیجیتال با تلفن همراه • اعتبارسنجی مبتنی بر داده‌های رفتاری تحلیل تراکنش‌های تلفن، شبکه‌های اجتماعی • استفاده از فناوری بلاکچین برای سابقه اعتباری امن و شفاف	ایجاد هویت ۳۰ دیجیتال و اعتبارسنجی جایگزین
افراد با سواد مالی پایین، سالمندان، کاربران تازه وارد	افزایش اعتماد و استفاده هوشمندانه از خدمات مالی دیجیتال؛ کاهش ریسک کلاهبرداری	• اپلیکیشن‌های آموزش مالی تعاملی و گیمیفای شده • دستیارهای هوش مصنوعی (چت بات) برای مشاوره مالی ساده • همکاری با سازمان‌های محلی برای کارگاه‌های آموزشی ترکیبی	آموزش مالی و ۴۰ افزایش سواد دیجیتال
زنان، کشاورزان خرده پا، کارآفرینان خرد، افراد دارای معلولیت	پاسخ به نیازهای خاص گروه‌های محروم (مثلاً زنان، کشاورزان)	• محصولات میکرو اعتبار و میکرو بیمه دیجیتال با شرایط انعطاف پذیر • کیف پول‌های دیجیتال مخصوص زنان با کنترل امن و محرمانه	طراحی ۵۰ محصولات مالی فراگیر و متناسب

	• خدمات پس‌انداز خودکار با (Automatic Savings) مقادیر بسیار کم		
تقویت زیرساخت و امنیت ۶.	• راه‌حل‌های آفلاین برای مناطق با (USSD) اینترنت ضعیف • استفاده از بیومتریک (اثر انگشت، تشخیص چهره) برای امنیت و سهولت • افزایش شفافیت با بلاکچین برای کاهش فساد در وام‌های خرد	افزایش قابلیت اطمینان، امنیت و اعتماد به سیستم‌های دیجیتال	تمام کاربران، به ویژه در مناطق با زیرساخت ضعیف
مشارکت و ۷. تنظیم‌گری هوشمند	• شراکت بین استارت‌آپ‌های فین‌تک، بانک‌های سنتی و دولت • چارچوب‌های نظارتی آزمایشی (Regulatory Sandbox) برای تشویق نوآوری امن • استفاده از فین‌تک برای توزیع کارآمد یارانه‌ها و کمک‌های دولتی (G2P)	ایجاد اکوسیستمی پایدار که هم نوآوری کند و هم از مصرف‌کننده محروم حمایت کند	کل جامعه، سیاست‌گذاران، نوآوران

در نهایت، شمول مالی محرک‌شده توسط فین‌تک فراتر از ارائه صرف دسترسی به خدمات مالی است؛ این موضوع یک جزء جدایی‌ناپذیر از دستور کار گسترده‌تر توسعه پایدار است. شمول مالی افزایش‌یافته، فرصت‌های اقتصادی را باز می‌کند، تاب‌آوری خانوار را تقویت می‌کند و جوامع را به سمت رفاه بهبودیافته توانمند می‌سازد. همانطور که ابزارهای پیشرفته‌تری مانند هوش مصنوعی و بلاکچین به تکامل ادامه می‌دهند، چشم‌انداز خدمات مالی به طور فزاینده‌ای متنوع خواهد شد. این نوآوری‌ها باید با در نظر گرفتن شمول طراحی شوند تا اطمینان حاصل شود که مزایای آن‌ها به فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد، نه صرفاً کسانی که از قبل به خوبی خدمات‌رسانی شده‌اند، می‌رسد.